

زندگینامه شهید سجاد زمانی

به نام ایزد منان

در زمانیکه زمان یاد ندارد، چه زمان

و

مکانیکه مکان یاد ندارد، چه مکان

دل من در پی یک واژه ی بی خاتمه بود

اولین واژه که آمد به نظر، زهرا (س) بود.

شهادت هنر مردان خداست

شهید سجاد زمانی بابگهری در تاریخ ۱۳ دی ماه ۱۳۶۶ در شهرسازی بابگهر دیده به جهان گشود. از همان کودکی مورد علاقه فامیل و دوستان بود و از همان کودکی بسیار خندان و دوست داشتنی بود.



دوران کودکی را در شهرک باهنر(زرند نو) شهرستان زرند گذراند.سال اول ابتدایی را در مدرسه هدف واقع در توانیر و دوره راهنمایی را درمدرسه انصار واقع درشهرک باهنر(زرند نو) به اتمام رسانید. و در دوره ابتدایی و راهنمایی به علت پشتکار در تحصیل مورد تشویق معلمان ،خانواده و دوستان گردید.و از طرف کارخانه ذغالسنگ هدایایی به وی دادند.

درسنین نوجوانی فعالیتهای فرهنگی را درمدرسه شروع کرد ومورد توجه و علاقه معلمان قرار گرفت وهم زمان به عضویت بسیج مسجد الزهرا (س) درآمد ویکی از اعضا فعال بسیج ومسجد شد.

شهید زمانی دوره اول متوسطه را در دبیرستان امام خمینی (ره) گذرانید و دوره دوم و سوم متوسطه در دبیرستان طالقانی در رشته مکانیک خودرو فارغ التحصیل شد.

وی برای ورود به دانشگاه پشتکار عجیبی داشت و زحمات زیادی کشید و در حین درس خواندن برای دانشگاه ، برای ورود به خدمت مقدس نیروی انتظامی امتحان داد،هم مشغول درس خواندن بود و هم کارهای گزینش استخدامی را انجام میداد،بعد از امتحان دادن کنکور و قبولی در دانشگاه در نیروی انتظامی هم قبول شد ، وی از دانشگاه رفتن منصرف شد و استخدام نیروی انتظامی شد .

وی در تاریخ ۱۳۸۵ / ۰۴ / ۰۵ برای گذراندن دوره آموزشی به اصفهان اعزام شد و مدت ۴ ماه را در آموزشگاه شهید بهشتی اصفهان گذراند ، در طی آموزشی از مادرش می خواست برایش دعا کند که مرحله دوم آموزشی که مدت ۴ ماه بود به مشهد مقدس اعزام شود شهید ارادت خاصی نسبت به امام رضا(ع) داشت، همینطور هم شد بعد از آموزشی ۴

ماهه در اصفهان، در آبان ماه به مشهد مقدس اعزام شد و ۸ ماه آموزشی خود را به اتمام رساند. و به مدت ۲/۵ سال در منطقه جنوب کرمان شهرستان قلعه گنج و دهستان رمشک را گذراند





و در تاریخ ۱۳۸۸/۰۶/۱۵ به درخواست نامبرده به رفسنجان انتقال یافت و مدت ۲ سال در آنجا خدمت کرد،



در سال ۱۳۹۰ به یگان تکاوری ۱۴۱ راور منطقه کویر کرمان اعزام و مدت ۳ سال خدمت کرد عملیات های زیادی انجام دادند روزهای سخت و دشواری را پشت سر گذاشتند. زود رفتن و دیر آمدن دیگر عادتشان شده بود. اینها روی کار راهم کم کرده بودند. طوری کار می کردند که انگار می دانستند وقت ندارند و رفتنی هستند تمام مشکلات را به جان می خریدند همه با هم عهد بسته بودند که دل رهبر عزیز و مردم را با این کار بزرگ شاد کنند و اگر رفتنی شدند همه باهم بروند اما سجاد از دوستان پیشی گرفت







(آغاز سال ۱۳۹۲)



سرانجام در تاریخ ۱۳۹۳/۰۱/۰۱ اولین روز سال ۱۳۹۳ که برای شناسایی اشرار پیش قدم شد و با اشرار درگیر شد و بعد از اصابت گلوله به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

شعری که **شهید** همیشه زمزمه می کرد

گفتم کلید قفل شهادت شکسته است

یااندر این زمانه در باغ بسته است

خندید و گفت ساده نباش ای قفس پرست

در بسته نیست بال و پر ما شکسته است.

آری اینها سربازان امام خامنه ای بودند که در غربت و گمنامی کار می کردند. برای اقتدار اسلام و قرآن و وطن عزیزمان نه برای درجه و نه برای جایگاه فقط برای اقتدار اسلام کوشش می

کردند و در عین گمنامی به شهادت رسیدند و آنها به گفته خود عمل کردند و جان خود را فدای اسلام و انقلاب کردند.

نوشته شده توسط: خواهر شهید سجاد زمانی

منبع: www.babgohar.ir

ایمیل: info@babgohar.ir

بابگهر، سرزمین مردان بزرگ